

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۳۰ سپتمبر ۲۰۱۱

اسلوب (متدولوژی)

اسلوب یعنی تیوری مربوط به شیوه های اصولی شناختن و تغییر دادن جهان، اسلوب در توافق کامل با جهان بینی است. هر جهان بینی اسلوب خاص خود را دارد. هیچکدام از مکاتب فلسفی قدیمی و قبل از مارکس دارای جهان بینی علمی نبوده اند و نمی توانستند به نحوی کامل و علمی جهان را توضیح دهند و در نتیجه نمی توانستند یک اسلوب علمی برای شناخت صحیح جهان و تغییر دادن آن را با خود همراه داشته باشند. فلسفه مارکسیستی تنها جهان بینی ای است که حاوی یک اسلوب علمی است. برای ماتریالیسم دیالکتیک، جوهر جهان مادی است. جهان مادی حرکت کرده، گسترش و پیوسته تکامل می یابد. کانون توسعه و گسترش در تضاد های درونی اشیاء نهفته است، اینست بینش ماتریالیستی دیالکتیکی جهان.

اگر بر اساس این جهان بینی، حرکات و خصایل متضاد اشیاء مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرند و شیوه و عملی اتخاذ شود که به حل مسایل مطروحه بینجامد و بر آن پایه فعالیت جهت تغییر جهان آغاز گردد، این شیوه همان اسلوب مارکسیستی، همان اسلوب دیالکتیک مارکسیستی خواهد بود. به این علت است که می بینیم جهان بینی و اسلوب ماتریالیستی دیالکتیکی در همگونی کامل با یکدیگر قرار دارند.

متافزیک

متافزیک از نظر معنی لغوی عبارت است از شناخت آنچیزی که ماورای طبیعت و جهان محسوسات است. متافزیک جهان بینی و اسلوب مخالف و متضاد با دیالکتیک است. ویژگی متافزیک اینست که جهان را از یک نظر گاه منفرد، یک جانبه و ساکن نگریده، همه چیز ها را در جهان همواره جدا از یکدیگر و برای همیشه بی تغییر می داند و بر آنست که حتی اگر تغییری هم در کار باشد، فقط به صورت افزایش یا کاهش کمی یا تغییر مکان

صورت می گیرد. دلیل این تغییر را هم نه در داخل بلکه در خارج از شیء و پدیده و ناشی از تحریک یک عامل خارجی جست و جو می نماید. انگلس می گوید: "متافیزیک) در مقابل اشیای منفرد، ارتباط آنها را و در مقابل بودن آنها، شدن و از میان رفتن آنها را، و در مقابل سکونشان، حرکت شان را فراموش می کند. درختان جلوی مشاهده جنگل را می گیرند."

در یک دوران طولانی از تاریخ، متافیزیک همواره به ایده آلیسم وابسته بوده است. در عین حال، ماتریالیسم میکانیکی قرون ۱۷ و ۱۸ اروپا نیز ماهیت متافیزیکی دارد.

متافیزیک به وسیله فیلسوفان قدیم به معانی مختلفی به کار رفته است، اما علی رغم این اختلافات، به طور کلی متافیزیک به معنی دانش ماده، روح، شعور، خدا، زمان، مکان و غیره بوده است. از آنجائی که این مسایل، مسایل اساسی فلسفه هستند، بنابر این متافیزیک به نام "فلسفه اولی" نیز نامیده می شود. اما پس از رشد بی سابقه علوم از قرن ۱۷ به بعد، به ویژه در قرن ۱۸ و پیدایش ماتریالیسم مکانیکی، متافیزیک به صورت یک تفکر موهوم، ضد علمی و جدا از واقعیت در نظر گرفته شد و مورد تمسخر و تحقیر واقع گردید. آنگاه کانت و طرفدارانش و فیلسوفان "پوزیتیویست" به نفی متافیزیک برخاستند و پس از آن هگل با تکامل دادن یک سیستم دیالکتیکی ایده آلیستی ضربه عظیمی به متافیزیک وارد آورد. معهذاً، جوهر واقعی متافیزیک فقط با پیدایش دیالکتیک ماتریالیستی مارکسیستی افشاء گردید.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم